

اتوماسیون داخلی

باسمه تعالی

سرمایه گذاری برای تولید

جناب آقای زمانی

معاونت محترم امور استان ها و تشکل ها

با سلام و احترام،

خواهشمند است نسبت به ارسال گزارش تهیه شده در مرکز پژوهش های اتاق ایران با عنوان «چارچوب سیاست گذاری اقتصادی در مواجهه با تنش های ژئوپلیتیکی؛ رویکردی برای حفظ پایداری و تاب آوری بنگاه ها» منضم به خلاصه مدیریتی ذیل، به اتاق های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استانی، اقدام لازم را مبذول فرمایید.

پیشاپیش از حسن همکاری جنابعالی کمال تشکر را دارم.

خلاصه مدیریتی

- اقتصاد ایران در مواجهه با تنش های ژئوپلیتیکی، با دو نوع نااطمینانی هم زمان روبروست: نااطمینانی ناشی از «تهدید» و «اقدام» مواجه است. تفکیک میان «تهدید» و «اقدام» ژئوپلیتیکی به عنوان دو منشأ متمایز شوک های اقتصادی، رهیافتی مهم در حوزه سیاست گذاری اقتصادی محسوب می شود.
- نااطمینانی کنونی صرفاً به مثابه شوک های مقطعی قابل تحلیل نیست، بلکه ابعادی مزمن، سیستماتیک و چندلایه دارد. در این شرایط، اقتصاد وارد وضعیتی می شود که نه تنها با شوک های بیرونی مواجه است، بلکه ظرفیت پاسخ گویی درونی آن نیز به طور تدریجی تحلیل می رود. از این رو، اتخاذ تصمیمات سیاستی نه با فرض بازگشت سریع به تعادل، بلکه با درک پویایی ناپایدار اقتصاد در شرایط ریسک فاجعه باید طراحی شود.
- شوک ژئوپلیتیکی از طریق پنج کانال اصلی به ساختار اقتصاد سرایت می کند که عبارتند از: تغییر انتظارات، بی ثباتی در بازار ارز، اختلال در زنجیره های تأمین، آسیب به زیرساخت های حیاتی و محدودیت در پیوندهای منطقه ای و بین المللی. در غیاب یک چارچوب سیاستی منسجم، این کانال ها می توانند اثرات تقویتی بر یکدیگر بگذارند و چرخه ای از بی ثباتی خود تقویت شوند ایجاد کنند. بنابراین، تحلیل دقیق این کانال ها، شرط لازم برای تدوین بسته ای از سیاست های مؤثر و هدفمند است.
- پاسخ سیاستی به بحران باید در سه افق زمانی طراحی شود تا هم واکنش اضطراری کوتاه مدت را پوشش دهد، هم مسیر بازسازی میان مدت را هموار سازد و هم الزامات مواجهه پایدار با نااطمینانی بلندمدت را فراهم کند. در افق کوتاه مدت، اولویت اصلی جلوگیری از گسترش بی ثباتی به کل بدنه اقتصاد، مهار

[افاد ارزش برون سازمانی است]

اتوماسیون داخلی

نوسانات بازار ارز، تأمین نقدینگی هدفمند برای بنگاه‌های حیاتی و تسهیل تجارت اضطراری برای واردات کالاهای استراتژیک است. در افق میان‌مدت، باید ترکیب منابع و مصارف دولت، ساختار مشوق‌های تجاری و نظام توزیع بازاریابی شود. در بلندمدت نیز اصلاح حکمرانی مالی، طراحی قواعد سیاست‌گذاری بحران‌پذیر و مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها باید در دستور کار قرار گیرد.

● **ثبات اقتصاد کلان پیش‌شرط موفقیت هرگونه مداخله بخشی است و بدون طراحی یک چارچوب تثبیت‌گرای کلان، حتی سیاست‌های حمایتی می‌توانند به منبع جدید بی‌ثباتی تبدیل شوند.** تجربه کشورهای درگیر با جنگ نشان می‌دهد که اجرای برنامه‌های حمایتی یا بازتوزیعی در غیاب ثبات مالی و پولی یا بی‌اثر می‌ماند یا با فشارهای تورمی، تضعیف نرخ ارز و تخریب اعتماد عمومی همراه می‌شود. در چنین شرایطی، سیاست مالی باید بر مبنای مأموریت‌های بحرانی بازتعریف شود، سیاست پولی باید هم‌زمان نقدینگی و انتظارات را مدیریت کند و سیاست ارزی باید از بی‌ثباتی سیستمی جلوگیری نماید.

● **نقطه پیوند همه سیاست‌ها، انسجام و هماهنگی سیاستی است.** بدون تعریف ساختارهای تصمیم‌گیری سریع، قاعده‌گذاری در شرایط بحران و ایجاد چابکی، امکان تحقق هیچ‌یک از سیاست‌ها وجود ندارد. از این‌رو تأکید می‌شود که موفقیت اقتصادی در مواجهه با بحران ژئوپلیتیکی، صرفاً فنی یا اقتصادی نیست، بلکه مستلزم حکمرانی چندسطحی منسجم، با فرماندهی واحد، مأموریت‌گرایی مشخص و پاسخ‌گویی مؤثر است.

● **در شرایط جنگ، حمایت از کسب‌وکارهای خرد و متوسط از اهمیت راهبردی بالاتری نسبت به بنگاه‌های بزرگ برخوردار است.** چرا که این بنگاه‌ها به‌رغم آسیب‌پذیری بیشتر، نقشی کلیدی در حفظ پیوستگی زنجیره‌های تولید، اشتغال، تأمین نیازهای پایه‌ای جامعه و پایداری اقتصادی ایفا می‌کنند. برخلاف شرکت‌های بزرگ که از منابع، ذخایر و ابزارهای گسترده‌تری برخوردارند، بنگاه‌های کوچک فاقد چنین پشتوانه‌هایی هستند و بدون مداخله فوری دولت، به‌سرعت از چرخه فعالیت حذف می‌شوند. از این‌رو، تمرکز سیاست‌های حمایتی بر بنگاه‌های خرد نه تنها به‌منزله محافظت از بدنه اصلی اشتغال و معیشت است، بلکه شرط ضروری برای حفظ حداقل کارکرد اقتصاد در شرایط بحران و جلوگیری از فروپاشی ساختار اجتماعی و اقتصادی است.

● **نظرات و مطالبات فعالان اقتصادی که از سوی اتاق‌های بازرگانی و تشکلهای صنفی جمع‌آوری شده، تصویر روشنی از بحران فراگیر در سه سطح حیاتی «تجاری-ارزی»، «مالی-پولی» و «قانونی و حقوقی» ارائه می‌دهد.** در سطح نخست، بنگاه‌ها به‌شدت از اختلال در زنجیره تأمین مواد اولیه، دیوی اقلام در گمرک و کمبود ارز ترجیحی برای واردات کالاهای حیاتی رنج می‌برند؛ مسائلی که مستقیماً ناشی از ناطمینانی ارزی، سخت‌گیری‌های گمرکی و تأخیرهای بوروکراتیک هستند. در سطح دوم، مشکلات مالی، شامل کاهش شدید نقدینگی، ناتوانی در ایفای تعهدات بانکی و فشار فزاینده مالیاتی و بیمه‌ای، تهدیدی جدی برای بقا و تداوم فعالیت تولیدی به شمار می‌رود. در سطح قانونی و حقوقی، بنگاه‌ها با نارسایی در سازوکارهای حقوقی، فقدان چتر حمایتی بیمه‌ای در برابر حوادث ناشی از جنگ و تمرکز بیش از حد تصمیم‌گیری در سطح مرکزی مواجه‌اند.

عیسی منصوری
رئیس مرکز پژوهش‌ها

[افاد ارزش برون سازمانی است]